با مردم

شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

مسافران پروازهای داخلی چگونه از حق خود دفاع کنند

۲۸بهمن‌ماه سال گذشته در مسیر مشهد به تهران به‌دلیل اختلال در سیستم صدور کارت و بی‌نظمی در اعلام پروازها به‌رغم آنکه هنوز اتوبوس به سمت هواپیما حرکت نکرده بود اجازه ندادند سوار شویم و درحالی‌که بارهای ما با هواپیمایی ... می‌رفت بلیت ما را به کسی دیگر فروخته بودند! وجهی بابت لغوشدن این پرواز به ما پرداخت نشد و با دشواری بسیار پس از برگشت به تهران موفق شدیم بارهای خود را پاره و آسیب‌دیده تحویل بگیریم. هواپیمایی... در مقابل اعتراض تلفنی ما خواستار ارسال ایمیل شدند که نه پاسخی ارائه شد و نه وجهی پرداخت کرد. چنین خطوط هواپیمایی بی‌تعهدی که در اوج کرونا نیز دستورهای بهداشتی ستاد کرونا را رعایت نمی‌کردند چرا ادامه فعالیت دارند و مسافران چگونه از حق خود دفاع کنند. یک مسئول در این خصوص راهنمایی کند که چه باید کرد؟

محمد حسنی از تهران

فرهنگ رفتار با حیوانات آموزش داده شود

فرهنگ ایرانی و اسلامی ما مملو از آموزش مودت با رحمت با حیوانات است و چه روایات و داستان‌هایی در ایران باستان و در تاریخ اسلام از مهربانی با حیوانات داریم. چرا این فرهنگ به‌صورت گسترده آموزش داده نمی‌شود تا در یک روز شاهد نابودی ۲حیوان کمیاب و در حال انقراض نباشیم؟

سلمان‌زاده از فومن

پیامک

ارسال پیام کوتاه خوانندگان ۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

مافیای دارو موجب تعطیلی مراکز ترک اعتیاد می‌شود

۱۵سال است که مراکز ترک اعتیاد کشورمان با فعالیت‌های همه جانبه و مستمر، جلوی شیوع بیماری‌های ایدز و هپاتیت را در میان معتادان به موادمخدر گرفته‌اند و حتی سازمان جهانی بهداشت(WHO) هم در این راستا از ایران تقدیر کرده است. به تازگی سازمان غذا و دارو بنا دارد طرح توزیع داروی ترامادول در داروخانه‌ها را اجرایی کند. این طرح بسیار خطرناک است و می‌تواند مانند فراوانی و در دسترس‌بودن (یا به‌اصطلاح پزشکی نشت داروهایی مثل آنتی‌بیوتیک‌ها)، جامعه را به مخاطره بیندازد و به تعطیلی مراکز ترک اعتیاد و متعاقب آن شیوع انواع بیماری‌های مرتبط با معتادان منجر شود. درحالی‌که درمان اعتیاد تنها جنبه دارویی ندارد و در مراکز ترک اعتیاد، از خدمات و پشتیبانی‌های روانشناسی هم برای مراقبت و ترک معتادان استفاده می‌شود.

علیالی پزشک از تهران

احیای هورالعظیم در دستور کار مسئولان قرار گیرد

سال‌هاست که وضع هورالعظیم در خوزستان هر روز بدتر می‌شود درحالی‌که هورالعظیم، زیستگاه میلیون‌ها جاندار و پاشنه‌آشیل محیط‌زیست در خوزستان است که اگر جان نگیرد وضع در خوزستان هر روز بدتر می‌شود. نصب مجموعه حلقه چاه‌های نفت روی سکو برای خوزستان ثروتمند رقم زیادی نیست. چرا برای استخراج نفت به هور بی‌توجهی می‌شود. کافی است در کنار استخراج نفت هزینه احیا و نگهداری هورالعظیم هم تامین شود.

غافری از اهواز

پیام

تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

چه کسی پاسخگوی سلامت رانندگان مانده در ترافیک است

به‌دلیل کمبود وسایل حمل‌ونقل عمومی و شلوغی مداوم خطوط اتوبوسرانی با خودروی شخصی به محل کار می‌روم ولی تغییری در وضعیت آرامش روانم ایجاد نمی‌شود چون به جای نبودن در همهمه آدم‌ها و بی‌نظمی و بی‌قانونی، در مزرعه آهن‌پاره‌هایی به نام خودرو و ترافیک اسفبار گیر می‌کنم و آنقدر کلاج و ترمز می‌گیرم که علاوه بر اعصاب، زانو و کمرم هم نیازمند درمان شده است. چرا هیچ مسئولی پاسخگو نیست و چرا کسی با برنامه‌ریزی به این وضع پایان نمی‌دهد؟

رستمی از تهران

همه اقلام تنظیم بازاری در استان البرز تمام شد

سامانه بازرگام قرار است اقلام تنظیم بازاری را در استان‌های منتخب از جمله البرز عرضه کند که از بدو راه‌اندازی تا به‌خودمان می‌آییم هیچ‌کدام از اقلام را ندارد. چه کسانی و به چه میزان این اقلام را می‌گیرند که ما هیچ وقت موفق به خرید از بازرگام نمی‌شویم؟ درحالی‌که در چند روز گذشته کالاهای اساسی در این سامانه به اتمام رسیده و خبری از فروش نیست. مسئولان همچنان در خبرها از عرضه اقلام تنظیم بازاری در سامانه بازرگام خبر می‌دهند. چرا مردم را سرکار می‌گذارند؟

مدیر روستا از کرج

پرونده قتل مرد شیرازی در بندرعباس پایان خوشی داشت

۱۱سال کابوس قصاص؛ تاوان جاه‌طلبی برادر کوچک‌تر

گزارش

جوانی که با همدستی برادرش به‌خاطر تصاحب خانه‌ای اعیانی صاحب آن را ربوده و به قتل رسانده بود، پس از ۱۱سال با گذشت اولیای دم از چوبه دار نجات یافت.

به گزارش همشهری، این حادثه به اسفندماه سال ۸۹ برمی‌گردد. جوان جاه‌طلبی که آرزوی صاحب‌شدن خانه‌ای اعیانی در شیراز را داشت، از بندرعباس به این شهر رفت تا به آرزویش برسد. پسر جوان همینطور که در رویاهایش سیر می‌کرد، شروع به پرسه‌زدن در خیابان‌های شیراز کرد. همین که به نزدیکی باغ ارم رسید، خودش را مقابل خانه‌ای ویلایی و بزرگ دید. با خودش گفت هرطور که شده باید صاحب این خانه شوم. او چند روزی در شیراز ماند و هر روز ساعت‌ها مقابل این خانه می‌رفت تا بتواند اطلاعاتی درباره مالک آن به‌دست بیاورد. آنطور که معلوم بود افراد زیادی در آنجا زندگی نمی‌کردند؛ چراکه در این چند روز فقط مردی سالخورده گاهی از خانه بیرون می‌آمد. پسر جوان با دیدن این مرد نقشه‌ای کشید. یک روز وقتی او از خانه‌اش بیرون آمد، جلو رفت و گفت می‌خواهد خانه را بخرد. او گفت به این خانه علاقه‌مند شده و به هرقیمتی که شده می‌خواهد آن را بخرد. صاحبخانه هم وقتی اشتیاق پسر جوان را دید، قبول کرد و برای انجام معامله در یک بنگاه املاک قرار گذاشت. پسر جوان که آه در بساط نداشت، فقط می‌خواست با این کار اطلاعات بیشتری از صاحب خانه به‌دست بیاورد و با او طرح دوستی بریزد. درحالی‌که آنها بر سر فروش خانه توافق کرده و حتی قولنامه هم نوشته بودند، خریدار امضای آن را به وقت دیگری موکول کرد و از مرد شیرازی خواست برای چند روز به بندرعباس بیاید و مهمانش باشد. او هم که در این چند روز حسابی اعتمادش نسبت به پسر بندری جلب شده بود، قبول کرد و درحالی‌که نمی‌دانست چه نقشه‌ای برایش کشیده شده، همراه او به بندرعباس رفت.

۲هفته اسارت

وقتی پسر جوان مرد شیرازی را همراه خودش به بندرعباس برد، نقشه‌ای را که کشیده بود با برادر بزرگ‌ترش در میان گذاشت و از او کمک خواست. او گفت که قصد دارد مرد را سربه‌نیست کرده و خانه اعیانی‌اش را صاحب شود. با وجود این، برادر بزرگ‌تر با این کار مخالفت کرد و توانست برادر جاه‌طلبش را از قتل مرد سالخورده منصرف کند؛ اما او اصرار داشت هرطور که شده باید خانه این مرد را به‌دست بیاورد. به همین دلیل مرد شیرازی را در خانه زندانی کرد. بعد با تهدید از او خواست که قولنامه را امضا کند و خانه‌اش را دودستی تقدیمش کند اما صاحب خانه مقاومت کرد و گفت حاضر به این کار نیست. در این شرایط او حدود ۲هفته در خانه این دو برادر اسیر بود.

قتل هنگام فرار

اسارت این مرد در خانه ۲ برادر ادامه داشت و آنها در این مدت نتوانسته بودند از او امضا بگیرند. مرد با دست بسته در اتاقی زندانی بود تا اینکه یک شب وقتی ۲ برادر خواب بودند یکی از شیشه‌های پنجره را شکست تا فرار کند. برادر بزرگ‌تر اما متوجه شد و در حالی که یک چاقوی آشپزخانه دستش بود، مرد را گرفت و مانع فرارش شد اما چون مرد سالخورده داد و فریاد می‌کرد و از طرفی انگشت دست پسر جوان را گاز گرفته بود، با دسته چاقو ضربه‌ای به سرش زد. مرد گروگان بیهوش شد و روی زمین افتاد و چند دقیقه بعد معلوم شد جانش را از دست داده است.

۲برادر وقتی به‌خودشان آمدند یک جنازه روی دست‌شان مانده بود که نمی‌دانستند با آن چه کار کنند. ترس از دستگیرشدن به اتهام قتل باعث شد آنها نقشه‌ای برای خلاص‌شدن از دست جنازه بکشند. آنها ابتدا در منطقه آبشورک بندرعباس سراغ چند کارگر افغان رفتند و مدعی شدند نماینده یکی از اپراتورهای تلفن همراه هستند و قصد دارند در محلی واقع در آن اطراف دکل مخابراتی نصب کنند. آنها به چند کارگر پول دادند و از آنها خواستند برای نصب دکل در آنجا یک گودال حفر کنند. سپس به خانه برگشتند و جنازه مرد شیرازی را مخفیانه به آنجا بردند و در گودال دفن کردند.

لورفتن جنایت

۲برادر گمان می‌کردند با دفن کردن جسد هیچ‌کس نمی‌تواند ردی از آنها پیدا کند و ماجرای قتل مرد شیرازی نیز به‌دست فراموشی سپرده خواهد شد. از طرفی قصد داشتند به یکی از کشورهای عربی فرار کنند اما چند روز بعد مأموران پلیس که با اعلام مفقودی خانواده مرد شیرازی به‌دنبال یافتن ردی از او بودند، به خانه این دو برادر رسیدند و آنها را دستگیر کردند. ۲ برادر که چاره‌ای جز بیان واقعیت نداشتند، در همان بازجویی‌های مقدماتی به ربودن مرد سالخورده با انگیزه تصاحب خانه‌اش و قتل او اعتراف کردند. در ادامه با راهنمایی ۲متهم جسد مقتول کشف شد و آنها به اتهام قتل و آدم‌ربایی در دادگاه کیفری یک استان هرمزگان پای میز محاکمه قرار گرفتند.

اولیای دم فرزندان مقتول بودند که در خارج از کشور سکونت داشتند. آنها در دادگاه حاضر شدند و برای قاتل پدرشان درخواست حکم قصاص کردند. به این ترتیب برادر بزرگ‌تر که از اول مخالف این نقشه بود و ناخواسته مرتکب قتل شده بود، به قصاص محکوم شد و برادر کوچک‌تر که طراح اصلی این نقشه بود و برای رسیدن به رؤیای خانه‌دارشدن، مرد شیرازی را ربوده بود به تحمل حبس محکوم شد.

نجات از چوبه دار

با وجود قطعی‌شدن حکم قصاص اما اولیای دم پیگیر اجرای حکم نبودند و جوان محکوم سال‌ها در زندان با کابوس چوبه دار دست و پنجه نرم می‌کرد. این در حالی بود که چند سال بعد برادر کوچک‌تر با پایان دوران محکومیت‌اش از زندان آزاد شد. در این مدت اعضای شورای حل اختلاف زندان بندرعباس و مسئولان اجرای احکام تلاش‌های زیادی برای بخشیده‌شدن جوان قاتل انجام دادند اما تلاش‌های‌شان به نتیجه‌ای نرسید. سرانجام با گذشت ۱۱سال از وقوع این حادثه بار دیگر مسئولان زندان برای جلب رضایت اولیای دم به تکاپو افتادند تا اینکه سرانجام اولیای دم حاضر شدند قاتل پدرشان را ببخشند. کاظم شاهرخ‌نیا، یکی از اعضای شورای حل اختلاف زندان بندرعباس در این‌باره به همشهری می‌گوید: حکم قصاص قطعی شده و در آستانه اجرا بود تا اینکه رایزنی‌ها با اولیای دم به نتیجه رسید و فرزندان مقتول که در خارج از کشور به‌سر می‌برند به یکی از اقوام‌شان وکالت دادند تا قاتل پس از ۱۱سال بخشیده شود. به گفته او قرار است در روزهای آینده و پس از طی‌شدن مراحل قانونی این مرد بعد از ۱۱سال از زندان آزاد شود.

مقتولان

مرد جنایتکار سلاح‌هایش را زیر خاک مخفی کرده بود

قتل ۲طلبه گنبدی بر سر اختلافات شخصی

جنایی

کمتر از یک ماه پس از قتل ۲طلبه اهل سنت در یک حوزه علمیه در محله چای‌بویین شهرستان گنبدکاووس، عامل اصلی این جنایت به دام کارآگاهان پلیس افتاد. به گزارش همشهری، حدود ساعت ۲۰:۵۰ شامگاه شنبه، ۱۳ فروردین امسال جنایت هولناکی در یک حوزه علمیه اهل سنت در شهرستان گنبد رخ داد که در جریان آن ۲طلبه به ضرب گلوله به قتل رسیدند. عامل جنایت مردی ناشناس بود که مخفیانه وارد حوزه شده و بی‌آنکه کسی متوجه حضور او شود ۲طلبه را هدف گلوله قرار داده و پس از آن نیز پا به فرار گذاشته بود. به‌دنبال این جنایت، تیمی از مأموران پلیس آگاهی گنبد راهی محل حادثه شدند و تحقیقات تخصصی زیر نظر سرهنگ محمود علیفر، فرمانده انتظامی گنبد کاووس برای شناسایی و دستگیری عامل جنایت آغاز شد. این در حالی بود که همزمان با این حادثه رسانه‌های معاند همه تلاششان را می‌کردند که دلیل قتل ۲طلبه اهل سنت را اختلاف میان شیعه و سنی اعلام کرده و با خبرسازی‌های خود باعث اختلاف میان هموطنانمان شوند. در این شرایط تلاش مأموران برای حل این معما ادامه داشت و آنها در جریان بررسی‌های تخصصی متوجه شدند که انگیزه این جنایت نه تروریستی است و نه بر سر اختلاف میان شیعه و سنی. بلکه قاتل از قبل هر دو طلبه را می‌شناخته و با آنها بر سر برخی مسائل شخصی اختلاف داشته است. با این اطلاعات بود که مأموران شروع به بازداشت تعدادی مظنون کردند و در تحقیقات همه‌جانبه موفق شدند عامل اصلی جنایت را شناسایی کنند. او به همراه خانواده‌اش در همان محله چای‌بویین زندگی می‌کرد که مأموران موفق شدند عصر دوشنبه او را دستگیر کنند. متهم در همان بازجویی‌های اولیه به قتل ۲طلبه اهل سنت اعتراف کرد و مدعی شد که از قبل نقشه قتل آنها را کشیده و برای اجرای نقشه اقدام به تهیه اسلحه کرده و در نهایت شب حادثه، نقشه‌اش را عملی کرده است. مرد جنایتکار همچنین اعتراف کرد که پس از جنایت سلاح‌هایش را در یکی از روستاهای اطراف و در دل زمین مخفی کرده است که با حضور مأموران در این محل، ۴قبضه سلاح از جمله سلاح استفاده شده در جنایت از زیر خاک بیرون کشیده شد. به گفته حیدر آسیابی، رئیس کل دادگستری استان گلستان، با تلاش مأموران پلیس، قاتل، همدست او و فردی که از ماجرای این قتل‌ها خبر داشت دستگیر شدند و بررسی‌ها نشان می‌دهد این قتل‌ها هیچ انگیزه خارجی و یا ارتباط به گروه‌های تروریستی ندارد و هم مقتولان و هم ۳ نفری که دستگیر شده‌اند، از اهل سنت گنبدکاووس هستند.

دستگیری دزدان مسلح پیش از فروش ۶کیلو طلا

سارقان مسلح که با گروگان گرفتن مرد طلافروش به مغازه‌اش دستبرد زده و ۶کیلو طلا دزدیده بودند پیش از اینکه موفق به فروش آنها شوند به دام پلیس افتادند. به گزارش همشهری، صدای اذان ظهر ۳۰فروردین امسال همه‌جا را پر کرده بود و مرد طلافروش خودش را آماده می‌کرد که برای خواندن نماز به مسجد برود. او صاحب یک مغازه طلافروشی در شهرستان خرامه در استان فارس بود و همیشه ظهر که می‌شد به مسجد می‌رفت و پس از خواندن نماز راهی خانه می‌شد که کمی استراحت کند و بعدازظهر دوباره به مغازه برمی‌گشت. مرد طلافروش در مغازه را قفل کرد و دزدگیر را به‌کار انداخت و با خیال راحت راهی مسجد شد. او پس از خواندن نماز به سمت خانه‌شان در همان حوالی حرکت کرد که در کوچه‌ای خلوت یک خودروی سواری سد راهش شد و ۲نفر که اسلحه داشتند از ماشین پیاده شدند و با تهدید اسلحه مرد طلافروش را سوار ماشین کردند و به راه افتادند. دزدان مسلح از قبل نقشه سرقت از مرد طلافروش را طراحی کرده بودند. آنها چند روز طعمه‌شان را زیرنظر گرفته و متوجه شده بودند که او ظهرها از چه مسیری راهی خانه می‌شود و برای همین زمان و محل دقیق گروگان گرفتن او را مشخص کرده بودند. آنها پس از ربودن مرد طلافروش راهی بیابان‌های اطراف شهر شدند؛ جایی خلوت که از قبل برای انتقال گروگانشان به آنجا درنظر گرفته بودند. دزدان سپس شروع به شکنجه و تهدید مرد طلافروش کردند و درحالی‌که لوله اسلحه‌شان را روی سر او گذاشته بودند با تهدید ریموت دزدگیر و کلید مغازه را از او گرفتند. درحالی‌که یکی از دزدان مراقب مرد طلافروش بود، بقیه آنها با در اختیار داشتن ریموت و کلید طلافروشی راهی آنجا شدند. حدود ساعت ۳ بعدازظهر بود و در آن ساعت از روز، خیابان خلوت و بیشتر مغازه‌ها تعطیل بودند. همین باعث شد که دزدان بی‌آنکه کسی متوجه آنها شود خودشان را به طلافروشی رسانده، دزدگیر را خاموش کرده، کرکره مغازه را بالا زده و به راحتی وارد آن شوند. آنها ظرف چند دقیقه همه ۶کیلو طلایی را که در مغازه بود داخل یک گونی ریختند و از مغازه خارج شده و سوار بر خودروی خود به محلی برگشتند که گروگانشان آنجا بود. سارقان مسلح نقشه خود را موفقیت‌آمیز می‌دیدند، مرد طلافروش را همانجا رها کرده و به همراه کیسه پر از طلا پا به فرار گذاشتند.

پلیس وارد می‌شود

مرد طلافروش پس از خلاص شدن از دست دزدان مسلح، خودش را به مغازه رساند و وقتی دید که آنها همه طلاها را به سرقت برده‌اند پلیس را خبر کرد. تیمی از مأموران به سرعت راهی محل حادثه شدند و از همان زمان تحقیقات برای شناسایی و دستگیری دزدان شروع شد. ماموران در ادامه راهی محلی شدند که شاکی پرونده در آنجا ربوده شده بود. بررسی دوربین‌های مداربسته و تحقیقات محلی نخستین سرنخ‌ها را در اختیار تیم تحقیق قرار داد و کارآگاهان با بررسی همین سرنخ‌ها بود که ظرف چند روز موفق به شناسایی ۲نفر از سارقان شدند. سردار رهام بخش‌حبیبی، فرمانده انتظامی استان فارس می‌گوید: مخفیگاه سارقان در یکی از شهرهای شمالی استان شناسایی شد و در یک عملیات ضربتی ۲نفر از سارقان مسلح و فردی که قرار بود طلاهای سرقتی را از آنها خریداری کند، دستگیر شدند. وی با اشاره به کشف ۶کیلو طلای مسروقه از مخفیگاه سارقان افزود: پس از اعتراف دزدان به سرقت مسلحانه، برای آنها قرار بازداشت صادر شد و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

کوتاه از حادثه

افشای راز باند سرقت در پرونده جنایی

تیم جنایی در جست‌وجوی ۲ سارق جنایتکار به یک باند سرقت رسید که با همدستی یک زن دست به سرقت از خانه‌ها در شمال پایتخت می‌زدند.

به گزارش همشهری، تحقیقات در این پرونده از شامگاه ۲۱بهمن سال گذشته شروع شد. آن روز مردی ۲۴ساله تصمیم گرفت برادرزاده ۸ساله‌اش را برای تفریح به پارک ببرد، اما در پارک هدف حمله ۲ سارق موبایل‌قاپ قرار گرفت. سارقان قصد سرقت موبایل مرد جوان را داشتند، اما وی در برابر آنها مقاومت کرد و با سارقان درگیر شد. در همین هنگام یکی از دزدان با ضربات چاقو مرد جوان را نقش زمین کرد و پس از سرقت موبایل او به همراه همدستش گریخت. مرد جوان بر اثر شدت جراحات به قتل رسید و به دنبال این جنایت، تیمی از کارآگاهان جنایی به دستور قاضی محمدرضا صاحب جمعی، بازپرس ویژه قتل تهران برای دستگیری دزدان وارد عمل شدند. آنها با ردیابی‌های تخصصی به زنی جوان رسیدند که گوشی سرقت شده از مقتول را در اختیار داشت. این زن که خود را مینا معرفی می‌کرد، دستگیر شد، اما ادعا کرد گوشی را از پسرش هدیه گرفته است. با این حال در ادامه تحقیقات معلوم شد که نام اصلی او سهیلا است و سوابق متعدد کیفری در پرونده‌اش دارد. با دستگیری سهیلا معلوم شد که او با یک باند سرقت همکاری می‌کند. زن جوان در بازجویی‌ها به سرقت‌های سریالی اقرار کرد اما منکر قتل و موبایل‌قاپی مرگبار شد. وی گفت: مدت‌هاست که با یک باند سرقت کار می‌کنم و نقش من این است که به عنوان پرستار یا نظافتچی وارد خانه مردان پولدار در شمال تهران می‌شوم. بعد اطلاعات کاملی از وضعیت خانه و محل نگهداری پول و وسایل با ارزش را به‌دست آورده و در اختیار اعضای دیگر باند قرار می‌دهم. آنها هم در فرصتی مناسب قدم در خانه مورد نظر گذاشته و دست به سرقت می‌زنند. با اعترافات سهیلا، راز باندی که وی با آنها همکاری می‌کرد فاش شد، اما هنوز معمای موبایل‌قاپی مرگبار در پارک فاش نشده بود. از آنجا که زن جوان مدعی بود گوشی مقتول را از پسرش هدیه گرفته بود، مأموران پسر جوان را دستگیر کردند، اما او نیز مدعی شد که گوشی را از یکی از دوستانش گرفته است. ماموران با پیگیری ماجرا در نهایت به جوانی ۱۸ساله به نام حفیظ رسیدند که تبعه افغانستان است. او در یک عملیات ضربتی دستگیر شد، اما گفت: یک روز داشتم از خیابان عبور می‌کردم که گوشی مورد نظر را دیدم که گوشه‌ای افتاده و آن را برداشتم و از ماجرای قتل بی‌خبر هستم. اگر چه حفیظ ادعا می‌کند گوشی را پیدا کرده، اما بازپرس جنایی تهران دستور بازداشت وی را صادر کرده است و تحقیقات از او ادامه دارد.

پسرعموهای قاتل باند سرقت تشکیل دادند

۲پسرعمو که به اتهام قتل در خرم‌آباد تحت تعقیب پلیس بودند به پایتخت فرار کرده و با تشکیل باند سرقت زندگی مخفیانه‌ای در پیش گرفتند اما پس از ۴ماه فرار شناسایی و دستگیر شدند. به گزارش همشهری، یکی از روزهای دی ماه پارسال گزارش یک قتل به پلیس خرم‌آباد اعلام شد و مأموران تحقیقات خود را در این‌باره آغاز کردند. مقتول مردی جوان بود که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. در بازرسی از جیب‌های قربانی مدارک شناسایی او به‌دست آمد و هویت وی فاش شد. در ادامه تحقیقات مأموران به بررسی دوربین مداربسته محلی که جسد در آنجا کشف شده بود پرداختند تا اینکه مشخصات قاتلان که ۲نفر بودند به‌دست آمد. بازبینی فیلم‌ها نشان می‌داد که مقتول در حال عبور از خیابان بوده که ناگهان ۲مرد به او حمله کرده و با ضربات چاقو جان وی را گرفته بودند. در ادامه تحقیقات هویت متهمان به‌دست آمد و مشخص شد که آنها با یکدیگر نسبت فامیلی دارند و پسرعمو هستند. آنطور که مأموران متوجه شدند ۲پسرعمو با مقتول بر سر مسائل مختلف کل کل داشتند و برای یکدیگر کری می‌خواندند.

سرقت‌های سریالی در پایتخت

وقتی هویت متهمان فاش شد، مأموران راهی محل زندگی آنها شدند اما هردو پسرعمو پس از جنایت فراری شده بودند. از همان زمان تحقیقات برای شناسایی مخفیگاه متهمان شروع شد تا اینکه مشخص شد آنها از خرم‌آباد گریخته و در تهران پنهان شده‌اند. با این سرنخ مأموران راهی پایتخت شدند و شامگاه پنجم اردیبهشت ماه هردو پسرعمو به دام پلیس افتادند. در بازرسی از مخفیگاه آنها اما وسایلی مسروقه به‌دست آمد که نشان می‌داد آنها باند سرقت راه انداخته بودند. در حقیقت این دو پسرعمو که از ترس دستگیری به تهران گریخته بودند، برای امرار معاش و تامین هزینه‌های زندگی به‌صورت سریالی به خانه‌های مختلف دستبرد می‌زدند. در این شرایط آنها دیروز برای انجام تحقیقات به دادسرای جنایی تهران منتقل شدند و در بازجویی‌ها به قتل اقرار کردند. یکی از آنها گفت: برادرم آدم خلافکاری است و در شهرمان دست به سرقت می‌زند. قبل از جنایت بود که یک شب مأموران به کمین برادرم نشسته و او را دستگیر کردند. برادرم مدت‌ها بود که فراری شده بود و سعی داشت ردی از خودش به جانگذارد با این حال پلیس دستگیرش کرد. من از این اتفاق ناراحت شدم و احتمال دادم که مقتول برادرم را لو داده است. چون با او کل کل داشتم و همیشه برایم کری می‌خواند. حتی آخرین بار هم به من گفت بالاخره یک روز برادرم دستگیر و مجازات خواهد شد. من هم بازداشت برادرم را از چشم مقتول می‌دیدم و تصمیم گرفتم که او را تنبیه کنم اما قتل او ناخواسته رقم خورد. وی ادامه داد: به‌دنبال راهی برای انتقام و تنبیه مقتول بودم تا اینکه روز حادثه به همراه پسرعمویم سد راه او شدیم و می‌خواستیم او را تنبیه کنیم تا بداند سزای آدم فروشی چیست اما ضرباتی که به او وارد کردیم کشنده بود و جانش را گرفت. وی ادامه داد: می‌دانستیم اگر در شهرمان بمانیم دستگیر می‌شویم، به همین دلیل راهی تهران شدیم. بعد از اینکه به تهران آمدیم، چون پولی برای خرج کردن نداشتیم، تصمیم گرفتیم باند سرقت تشکیل بدهیم. شیوه ما این بود که وارد خانه‌هایی می‌شدیم که صاحبخانه‌هایشان حضور نداشتند و بعد در فرصتی مناسب نقشه سرقت را اجرا می‌کردیم. با اعتراف متهمان به جنایت، از آنجایی که محل وقوع قتل در خرم‌آباد بود، پرونده با صدور قرار عدم‌صلاحیت به شهرستان مربوطه ارجاع شد.

پایان فرار عاملان جنایت در مراسم عروسی

به‌دنبال قتل مرد جوان در جریان درگیری میان فامیل‌های داماد و عروس در تالار، عاملان جنایت پس از ۴ماه فرار به دام افتادند. به گزارش همشهری، این حادثه شامگاه سوم بهمن پارسال اتفاق افتاد. آن شب مهمانان یک مراسم عروسی، وارد تالاری در مرکز تهران شدند اما ساعتی بعد میان ۳نفر از فامیل‌های عروس و داماد درگیری شکل گرفت. درجریان این درگیری یکی از طرفین دعوا با ضربات چاقو به قتل رسید. از همان زمان تیمی از کارآگاهان جنایی با دستور قاضی محمدجواد شفیعی تحقیقات خود را برای شناسایی عاملان درگیری مرگبار شروع کردند. بررسی‌ها حکایت از این داشت که متهمان ۲ پسر عمو هستند که با مقتول درگیر شده و دست به جنایت زده بودند. با معلوم شدن هویت متهمان، تحقیقات برای بازداشت آنها شروع شد اما ۲ متهم پس از قتل به‌صورت غیرقانونی از کشور خارج شده بودند. درحالی‌که تحقیقات برای دستگیری متهمان ادامه داشت، چند روز قبل به پلیس خبر رسید که آنها از ترکیه به ایران برگشته و در یکی از محله‌های تهران زندگی می‌کنند. با این سرنخ مخفیگاه متهمان شناسایی و هر ۲ در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر شدند. صبح دیروز ۲ متهم به دادسرای جنایی تهران منتقل شدند. محمود یکی از متهمان گفت: من و پسر عمویم آن شب با مقتول درگیر شدیم و هر چند درگیری ما ۲بار با میانجیگری بستگان خاتمه یافت اما سومین بار دوست پسرعمویم که همراه ما بود با چاقو جان مقتول را گرفت. وی ادامه داد: آن شب ما فرار کردیم اما بعد متوجه شدم که پلیس در تعقیب من و پسرعمویم است و ما که به شدت ترسیده بودیم، به ترکیه رفتیم. وقتی نوبت به متهم دوم رسید، وی پسرعمویش را به‌عنوان قاتل معرفی کرد و گفت: پسرعمویم دروغ می‌گوید او بود که به مقتول ضربه زد نه دوست من. در ادامه پسرعموها با دستور بازپرس جنایی تهران برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار مأموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته‌اند.

وزارت راه و شهرسازی
شرکت بازآفرینی شهری ایران

آگهی فراخوان

متقاضیان صلاحیت موضوع ماده (٤) قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری

شرکت بازآفرینی شهری ایران به استناد ظرفیت قانونی مفاد ماده (۴) قانون حمایت از احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری و به منظور توسعه فعالیت بخش غیر دولتی در اجرای طرح‌های احیاء، بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری و تحقق سیاست‌های دولت سیزدهم مندرج در سند تحول دولت مردمی در زمینه بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده و ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی با محوریت توسعه‌گران و واگذاری اختیارات و امتیازات ویژه به آنان، در نظر دارد پس از تعیین صلاحیت اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی مطابق دستورالعمل تدوین شده اقدام به صدور گواهینامه صلاحیت ماده (۴) قانون مزبور نماید. لذا کلیه متقاضیان دریافت گواهینامه مذکور می‌توانند جهت بهره‌مندی از فرصت‌های قانونی موجود نسبت به ثبت نام و درج اطلاعات خود در درگاه ملی مجوزهای کسب و کار مورد نظر به آدرس www.mojavez.ir اقدام نمایند. لازم به ذکر است کسب اطلاعات بیشتر از طریق ادارات کل راه و شهرسازی استان‌های سراسر کشور امکان پذیر می‌باشد.

شرکت بازآفرینی شهری ایران

م الف/ ۳۴۲/ ۱۳۰۷۵۲۱